

منشور حقوق دانش آموز؛ چه دور، چه نزدیک



پای 12/5 میلیون کودک و نوجوان در میان است که غرق در دنیای دانش‌آموزی از منشور و حقوق فقط واژه‌هایی را می‌شناسند که در کتاب فارسی و تاریخ، دیکته‌شان را آموخته‌اند.

جام جم آنلاین: پای 12/5 میلیون کودک و نوجوان در میان است که غرق در دنیای دانش‌آموزی از منشور و حقوق فقط واژه‌هایی را می‌شناسند که در کتاب فارسی و تاریخ، دیکته‌شان را آموخته‌اند.

نزدیک به ده سال پیش قرار بود دانش‌آموزان صاحب منشوری شوند که در آن حقوقشان تک‌تک شمرده شود و یادشان دهد که دانش‌آموز بودن هم مثل انسان بودن (منشور حقوق بشر) و مشتری بانک و بیمار بودن (منشور حقوق مشتری و حقوق بیمار) باعث ایجاد حقوقی می‌شود که رعایت آنها به عهده اولیای مدرسه است.

در این منشور، حقوق دانش‌آموزان در هفت فصل طبقه‌بندی شد و این حق‌نامه چنان دلچسب از کار درآمد که به دانش‌آموز جایگاه فراموش شده‌اش را یادآوری کرد، ولی این منشور پنجاه و چهار ماده‌ای با این‌که لقب «#171؛ ملی» را همراه داشت به سرانجام نرسید.

اکنون از دبیرخانه مجلس دانش‌آموزی که این منشور در اولین دوره برگزاری آن و در قالب سند میان‌دوره‌ای‌اش تدوین شده بود، خبر می‌رسد این منشور که مقدمه‌ای برای تدوین منشور اصلی بوده به این علت مسکوت مانده که باشگاه‌های یونسکوپی حاضر نشده‌اند روی آن کار کنند که این موضوع درست برخلاف نیت طراحان منشور بوده که می‌خواستند حقوق طبقه‌بندی‌شده دانش‌آموز را در راستای حقوق کودک به موضوعی جهانی تبدیل کنند.

با این حال مجلس دانش‌آموزی امسال که ششمین دوره خود را آغاز کرده همچنان نیم‌نگاهی به منشور مسکوت مانده‌اش دارد چون قرار است به عنوان سند اصلی روی «#171؛ جایگاه دانش‌آموز طراز جمهوری اسلامی» کار کند و توضیح دهد دانش‌آموز ایده‌آل از نظر نظام چه دانش‌آموزی است.

حرف‌های منشور

با این حال یک منشور حقوقی که حامی حقوق کودکان و نوجوانان است و تمام افراد لازم‌التعلیمی که در نظام آموزشی کشور حاضرند را شامل می‌شود، حتی اگر مسکوت بماند باز هم ارزش مرور کردن دارد.

طبق مفاد این منشور، دانش‌آموزان در حوزه‌های آموزش، آزمون، بهداشت، دادرسی و حمایت‌های خاص صاحب حق هستند و مثل هر انسان دیگری حق دارند از حقوق اساسی بهره‌مند شوند. این حق دانش‌آموزان است که آزادی عقیده و بیان داشته باشند و پس از بیان عقیده نیز از پیامدهای آن مصون بمانند.

آنها حق دارند از تعرضات جسمانی، روانی و حیثیتی در امان بمانند و کرامت و شخصیت انسانی‌شان مورد احترام قرار گیرد. دانش‌آموزان از حق حریم شخصی نیز برخوردارند و کمد، لباس‌ها و وسایل شخصی هیچ دانش‌آموزی را نمی‌توان تفتیش کرد. آنها حق دارند اصل انصاف درباره‌شان رعایت شود و طعم رفتار منصفانه را بچشند. (حقوق اساسی دانش‌آموز)

دانش‌آموز حق دارد پای درس مدرسان توانمند و برجسته در ابعاد اخلاقی و علمی بنشیند و در فضایی تحصیل کند که در آن نسبت مطلوب میان معلم و شاگرد (از نظر تعداد) رعایت شده باشد. آنها حق دارند به طور یکسان از امکانات آموزشی بهره‌مند شوند و درباره مسائل و امکانات آموزشی آزادانه اظهار نظر کنند.

دانش‌آموز حق دارد با فرهنگ بومی و ملی و فرهنگ سایر ملل آشنا شود و در حالی که به کتابخانه، اینترنت و فناوری‌های جدید علمی و آموزشی دسترسی دارد، در مدرسه از اصول حقوق بشر و اسناد و مقررات بین‌المللی درباره حقوق کودک و دانش‌آموز آگاه شود. (حقوق آموزشی دانش‌آموز)

نکته: دانش‌آموز حق دارد با فرهنگ بومی و ملی و فرهنگ سایر ملل آشنا شود و در حالی که به کتابخانه، اینترنت و فناوری‌های جدید علمی و آموزشی دسترسی دارد، در مدرسه از اصول حقوق بشر و اسناد و مقررات بین‌المللی درباره حقوق کودک و دانش‌آموز آگاه شود و چه‌ها حق دارند در محیط آموزشی از امکانات و تسهیلات بهداشتی و درمانی بهره‌مند شوند و در حالی که پرونده بهداشتی و

شناسنامه سلامت دارند در محیطی درس بخوانند که تراکم جمعیتی‌اش که با سن و مرحله رشد او متناسب است، زمینه سلامت روان او را نیز مهیا کند. (حقوق بهداشتی دانش‌آموز)

همه این حقوق در منشور هفت فصلی حقوق دانش‌آموز شمرده شده و با یک ماده «ضمن آموزشی» نیز تلفیق شده تا مجموعه حقوق محصلان به جایی برسد که هم آنها، هم والدین و هم اولیای مدرسه بدانند که دانش‌آموز حق دارد، مطالب آموزشی شادی را بیاموزد و این مطالب را با اجرای متنوع و شادی‌بخش دریافت کند.

منشوری که به واقعیت نمی‌آید

مثل منشور حقوق بشر کوروش که پس از دو هزار و 500 سال هنوز احساس آرامش و احترام به انسان می‌دهد، منشور حقوق دانش‌آموز هم با این‌که از حد یک پیش‌نویس بدون اجرا فراتر نرفته، ولی به خاطر احترامی که برای کودک و نوجوان قائل شده به همان اندازه رنگ و بوی آرامش و احترام درخود دارد.

حتما بعضی‌ها که حقوق اعطا شده به دانش‌آموز را می‌خوانند آن را کلماتی اغراق‌گونه و بلندپروازانه می‌بینند که در سیستم آموزشی کشور امکان پیاده شدنش نیست. حتما برخی نیز اینها را حقوق از دست رفته و بحقی می‌دانند که اگر عملی شود دانش‌آموزان به جایگاهی که تا به حال مستحق آن بوده‌اند، اما از آنها دریغ شده است، می‌رسند.

گفته‌های این دو گروه البته نه کاملا درست است و نه کاملا غلط چون هم آنهایی که می‌گویند رسیدن دانش‌آموز به این درجه از احترام و اهمیت در فضای فعلی سیستم آموزشی شدنی نیست، درست می‌گویند و هم آنهایی که با وجود همه محدودیت‌ها این حقوق را لازمه زندگی دانش‌آموزی می‌دانند.

حتما به مذاق اولیای مدرسه خوش نیست اگر گفته شود حتی دانش‌آموزانی که با عشق سرشار به مدرسه می‌آیند نیز پس از مدتی به دلیل جو حاکم بر برخی مدارس و برخوردهای تحکم‌آمیز از بودن در مدرسه دلسرد می‌شوند، چه رسد به دانش‌آموزانی که از ابتدا رغبتی به درس خواندن و ماندن در مدرسه ندارند.

شاید عده‌ای کتمان حقیقت را به بیان واقعیت ترجیح دهند، اما قابل انکار نیست که بسیاری از مدارس به علت نادیده گرفتن حقوق انسانی دانش‌آموزان به محیط‌هایی نه‌چندان دلچسب تبدیل می‌شوند و کمبود امکاناتشان نیز مزید بر علت می‌شود و عرصه را بر دانش‌آموزان تنگ می‌کند. بچه‌ها که دور هم جمع می‌شوند و بزرگسالانی که از خاطرات دوران تحصیلشان می‌گویند به اتفاق تأیید می‌کنند که در مدرسه به جایی ایجاد فضایی که خلاقیت‌ها را رشد دهد و به ایده‌های نو اجازه بروز دهد، سیاستی حاکم است که اطلاعات را از بالا به پایین دیکته می‌کند و دانش‌آموزی که خلاف جریان آب حرکت کند، طرد می‌شود.

شاید این وصف، شامل حال همه مدارس و اولیای آن نشود اما وقتی ملاک، تجربیات گروه زیادی از دانش‌آموزان در حال تحصیل در این چرخه است، ثابت می‌شود که نظام آموزشی کهنه کشور که سعی در پیاده‌کردن جو مکتبخانه‌ای در مدارس دارد تا زمانی که به این روش اصرار کند، نتیجه‌اش همین خواهد شد.

البته چنین فضایی فقط محصول اشتباهات شخصی معلمان و مدیران نیست، بلکه سیستمی که در آن برای دانش‌آموز جایگاه قابل احترامی تعریف نشده، سرچشمه تمام مشکلات است. مدارس اگر قرار است فقط آموزش داشته باشند، اکنون نیز همین کار را انجام می‌دهند، اما اگر قرار است پرورش هم داشته باشند باید به هر دانش‌آموز به چشم انسانی توانمند و قابل احترام نگاه کنند که حضورش در مدرسه فقط وسیله‌ای است برای پرورش استعداد و شکوفایی شخصیتی که می‌تواند در آینده مهم‌ترین نقش‌های اجتماعی را به عهده بگیرد.

مریم خباز / گروه جامعه